

مهم ترین مسائل آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی در ایران
The Most Important Issues of Agriculture and Natural
Resources of Higher Education in Iran

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۸/۱۹

Gholam Hossein Abdollahzade
Hossein Barani
Abdolreza Bagheri
Ali Najafinejad
Afshin Soltani

غلامحسین عبداللهزاده *
حسین بارانی **
عبدالرضا باقری ***
علی نجفی نژاد****
افشین سلطانی*****

Abstract: This paper aimed to investigate the most important issues of higher education in agriculture and natural resources. The research method was descriptive method via survey approach. Target population consisted of 70 participants in the "National Meeting of Agriculture and Natural Resources Higher Education: Vision 1404" which held in January 2015 in Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources. 54 participants were selected based on random sampling method. Using SPSS and EXCEL software, the gathered data were analyzed. In order to rank the items Friedman mean was used. In order to compare the importance of each intra-university and outside-university issues Wilcoxon test was used. The results showed that the most important outside-university issues are "existing large number of unqualified universities, institutes, centers and units", "decrease quality of the enrolled persons in agriculture and natural resources fields" and "lack of spatial planning of agricultural education". Moreover, the most important intra-university issues are "low share of practical course / skill training", "little attention to present practical unit" and "not client- basis or no applicability of thesis". The results of Wilcoxon test showed although the average score of intra-university issues was higher than outside-university issues, but the difference is not significant.

Keywords: Agricultural education, Natural resources education, Higher education, Issues

چکیده: هدف این تحقیق بررسی مهم ترین مسائل آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی کشور است. روش انجام این تحقیق به شیوه توصیفی با رویکرد پیمایشی بود. جامعه آماری شامل ۷۰ نفر از شرکت کنندگان در "نشست سراسری آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی: چشم انداز ۱۴۰۴" بود که در دی ماه ۱۳۹۳ در دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان برگزار شد. از بین آنها تعداد ۵۴ نفر به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده های گردآوری شده از نرم افزارهای SPSS و Excel بهره گرفته شده است. برای رتبه بندی آیتمها از میانگین فریدمن استفاده شد. برای مقایسه میزان اهمیت هر کدام از مسائل برون و درون دانشگاهی از آزمون ویلکاکسون استفاده شد. نتایج نشان داد که مهم ترین مسائل برون دانشگاهی عبارت است از: «وجود تعداد زیاد دانشگاه ها، مؤسسات، مراکز و واحدهای فاقد صلاحیت»، «کاهش کیفی ورودی های رشته های کشاورزی و منابع طبیعی» و «نبود آمایش آموزش کشاورزی». همچنین مهم ترین مسائل درون دانشگاهی عبارت است از: «کم بودن سهم واحدهای عملی / مهارت آموزی»، «کم توجهی به نحوه ارائه واحدهای عملی» و «سفارشی نبودن و یا کاربردی نبودن پایان نامه ها». نتایج آزمون ویلکاکسون نشان داد که با وجود اینکه میانگین مسائل درون دانشگاهی اندکی از مسائل برون دانشگاهی بیشتر است اما این تفاوت معنی دار نیست.

واژگان کلیدی: آموزش کشاورزی، آموزش منابع طبیعی، آموزش عالی، مسائل

* دانشیار دانشکده مدیریت کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان (نویسنده مسئول):
Abdollahzade1@gmail.com

** دانشیار دانشکده مرتع و آبخیزداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

*** استاد دانشکده کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد

**** دانشیار دانشکده مرتع و آبخیزداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

***** استاد دانشکده تولید گیاهی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

مقدمه

توسعه همه‌جانبه جوامع به عملکرد نظام آموزش عالی آن بستگی دارد (فیضی، ۱۳۸۲، ۱۷) و توسعه آموزش عالی به‌عنوان یکی از زیرساخت‌های توسعه هر کشوری، از اهمیت فراوانی برخوردار است (ورمرزیاری و همکاران، ۱۳۸۷، ۳۹). دانشگاه‌ها به‌عنوان سازمان‌های اصلی نظام آموزش عالی، دارای سه رسالت مهم «انتقال دانش»، «تولید دانش» از طریق پژوهش و «ترویج دانش» از طریق مشاوره و خدمات هستند (اسکندریان و کاهامی، ۱۳۸۰، ۲) که دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم کشاورزی و منابع طبیعی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. آموزش و پژوهش در حوزه‌های کشاورزی و منابع طبیعی به دلیل ارتباط با امنیت غذایی از محورهای اساسی پیشرفت و دستیابی به اهداف توسعه کشور محسوب می‌شود (مقدس فریمانی، ۱۳۷۷، ۲۷). در حوزه آموزشی حضور دانشجویان از هر دو بعد کمی و کیفی موضوعی حائز اهمیت است. با این همه در جمعیت متقاضیان ورود به رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی طی سالیان گذشته تغییراتی محسوس با روند نزولی به وقوع پیوسته و از مهرماه ۱۳۹۳ به این سو شدت بیشتری یافته است. به تعبیری دیگر در سال‌های اخیر بسیاری از رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی دچار افت کمی و کیفی در متقاضیان ورودی شدند (عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۴، ۱۳۸). تکرار این وضعیت در سال‌های آینده موجبات تهدیدهای بی‌شماری را برای نظام آموزش عالی کشاورزی ایران در پی خواهد داشت. نبود همسازی کامل دستاوردهای آموزش کشاورزی و منابع طبیعی با نیازهای جامعه و بازار کار که مسئله‌ای عمومی است، به همراه مواردی مانند پایین بودن کیفیت آموزشی، نارضایتی فراگیران از نوع آموزش‌ها و محتوای آنها، انطباق نداشتن نظام آموزشی با تغییرات سریع جامعه و کارآفرین نبودن افراد آموزش دیده و سایر مشکلات رفاهی و روانی می‌تواند به افت بیشتر ورودی دانشگاه‌های تخصصی علوم کشاورزی و منابع طبیعی منجر شود (شریف‌زاده و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۰، ۵۱).

این در حالی است که نظام آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی و نهادهای شاکله آن با توجه به جایگاه حیاتی و محوری بخش کشاورزی و منابع طبیعی در امنیت غذایی، ایجاد اشتغال، حفظ محیط زیست، توسعه روستایی و غیره، رسالت خطیری برای توسعه پایدار این بخش دارند که خود با چالش‌های متعددی نظیر کمبود آب، فرسایش خاک و تخریب منابع طبیعی، ضایعات و بهره‌وری پایین بخش کشاورزی، نامساعد بودن فضا و نرخ کارآفرینی و کسب‌وکار در بخش کشاورزی و... روبرو است. در چنین شرایطی، تداوم رویه‌های مرسوم ضمن افزودن به مسائل و مشکلات بخش کشاورزی (برای نمونه تربیت دانشجویان غیرکارآفرین و افزودن به

خیل بیکاران این بخش)، سبب تشدید نقاط ضعف درونی دانشگاه‌ها و به‌مرور زمان ناکارآمد و بی‌کارکرد شدن دانشگاه و از دست دادن فلسفه وجودی و از دست دادن حمایت‌های عمومی آن می‌شود و از بهره‌گیری از فرصت‌های محتمل در شرایط جدید ناتوان می‌شود. این در حالی است که چشم‌اندازهای تصریح شده در اسناد فرادستی همانند سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، نقشه جامع علمی کشور، نقشه جامع علمی بخش کشاورزی، سیاست‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و برنامه‌های توسعه‌ای کشور رسالت و مأموریت‌های مشخص و محوری را برای نظام آموزش عالی کشاورزی کشور تدبیر کرده است که توجه نکردن به آنها ممکن است نوعی شانه خالی کردن از بار مسئولیت‌ها و نشانگر بی‌کفایتی نهادی تلقی شود.

در چنین شرایطی این پرسش مطرح می‌شود که مهم‌ترین مسائل آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی کشور چیست؟ گفتگوهای غیررسمی در محافل دانشگاهی نشان می‌داد بررسی این مسئله نیازمند مشارکت فعال مسئولان وزارتی و تمامی یا بیشتر دانشگاه‌ها و دانشکده‌های کشاورزی و منابع طبیعی کشور است. از این رو معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان با حمایت، تأیید و تأکید ریاست دانشگاه، بر آن شد تا یک نشست سراسری را با عنوان "نشست سراسری آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی: چشم‌انداز ۱۴۰۴" با هدف تحلیل وضعیت موجود آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی در کشور و شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو در دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان برگزار کند. با توجه به اینکه تحقیقاتی که مسائل دانشگاه‌ها و دانشکده‌های کشاورزی را از منظر کاهش ورودی بررسی کرده باشند، اندک است، بنابراین هدف این تحقیق نیز بررسی مهم‌ترین مسائل آموزش عالی از دیدگاه شرکت‌کنندگان این نشست است که با استفاده از زمان‌های استراحت شرکت‌کنندگان و در خلال این نشست محقق شد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

هرچند ماهیت مشکلات، مسائل و کیفیت آموزشی در کشورهای مختلف متفاوت است اما بخش اعظم مسائل آموزش متأثر از شرایط خاص اقتصادی-اجتماعی جوامع است (هینمن^۱، ۲۰۰۴، ۴۴۱)؛ به تعبیر دیگر مسائل، مشکلات و کیفیت آموزشی از وضعیت و مشکلات اقتصادی-اجتماعی موجود جامعه مجزا نیست. این مسائل به

1. Heyneman

نحوه بارزی در مسائل پیش و پس از تحصیل دانشگاهی که در این تحقیق شناسایی شدند، خود را نشان می‌دهند. یکی از مسائل اساسی نظام آموزش عالی کشاورزی ضعف آموزش عملی است (مجردی و کرمی دهکردی، ۲۰۱۶، ۱۱). رویکرد کمی‌گرا در گسترش آموزش عالی، در کنار نبود نگاه مبتنی بر کیفیت در بین مدیران آموزشی به موضوع دامن زده است. این در حالی است که بنا بر تحقیقات انجام شده، چالش‌های آموزش عالی در بعد درونی و بیرونی از جمله کاهش تقاضا برای آموزش عالی یا کاهش حمایت‌های دولت، نوعی رهبری آینده‌نگر و تحول‌گرا را در این بخش ضرورت بخشیده است (گریمن^۱، ۲۰۰۹، ۵۰).

با وجود اینکه تحقیقات اندکی در زمینه بررسی مسائل دانشگاه از طریق نظرسنجی از متخصصان مربوطه انجام شده است، اما در ادامه به نتایج برخی مطالعات که ارتباط بیشتری با این تحقیق دارد اشاره می‌شود. محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۸۹، ۴۵) در بررسی تأثیر مسائل و چالش‌های محیط علمی بر جامعه‌پذیری دانشگاهی ضمن بررسی و استخراج مسائل و چالش‌های دانشگاه‌ها در کشور ایران، در قالب ۲۶ مفهوم، آنها را از دیدگاه ۲۶۰ نفر از دانشجویان دوره دکتری دانشگاه تهران بر اساس بالاترین میزان عینیت در محیط علمی رتبه‌بندی کردند. نتایج تحقیق نشان داد که چالش‌های اساسی محیط‌های علمی عمدتاً دارای ماهیت نهادی و ساختاری هستند و عوامل فردی در سطح بعدی قرار می‌گیرند. برخی از مهم‌ترین چالش‌های دانشگاه‌ها عبارت‌اند از: پایین بودن سرمایه‌گذاری‌ها و تخصیص منابع لازم در حیطه پژوهش و تحقیق در این رشته، ارتباط ضعیف و تعامل اندک صنعت و دانشگاه، ضعف در همکاری‌های گروهی و تعاملات علمی بین استادان این رشته و قدرت نازل دانشگاهیان در تعیین سرنوشت علمی خود و تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور دانشگاه. معمارزاده و همکاران (۱۳۹۰، ۳۹) وضع موجود دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر انزلی، از نظر نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها، با استفاده از ابزار پرسشنامه در نمونه‌ای ۱۰۰ نفره از اعضای هیئت علمی آن را بررسی و شناسایی کردند. نتایج نشان داد که بخش‌های آموزشی، پژوهشی، دانشجویی و عمرانی دانشگاه ضعیف و دو بخش اداری-مالی و فرهنگی متوسط ارزیابی شدند. در مجموع به منظور برون‌رفت دانشگاه از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب، باید از استراتژی‌ها و راهکارهای ترکیبی (محافظه‌کارانه، دفاعی) و البته با تأکید بیشتری بر استراتژی‌های دفاعی استفاده کرد. در تحقیقی توسط خسروکوار (۱۳۸۴، ۵) عوامل بازدارنده و تقویت‌کننده اجتماع علمی در ایران به این شرح است: الف- عوامل

^۱. Greiman

بازدارنده شامل دانشگاه سیاسی، تشنجات سیاسی، نداشتن آرمان علمی، فردگرایی منفی در کارهای تحقیقاتی، همکاری نکردن صاحبان صنایع، مدرک‌گرایی، گزینش آدم‌های متوسط، حسادت منفی، مشکلات اقتصادی و مالی و نداشتن درآمد کافی، نبود شایسته‌سالاری، احساس از خود بیگانگی دانشمندان و هزینه‌های سنگین زندگی شهری به‌خصوص برای دانشمندان جوان است؛ ب- عوامل تقویت‌کننده شامل فردگرایی مثبت، تربیت محققان جوان و گسترش تحصیلات تکمیلی، نگرش انتقادی، کرامت دانشمندان و ارتباط صنعت و دانشگاه.

ورمرزیاری و همکاران (۱۳۸۷، ۳۹) وضعیت نظام آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه ۹۲ نفر از دانشجویان دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین را شناسایی معضلات و مشکلات آن بررسی کردند. نتایج این مطالعه میدانی نشان داد که دانشجویان رشته‌های کشاورزی، آگاهی کمی از رشته‌های خود در موقع انتخاب آنها داشتند و درصد کمی از آنها ابراز داشتند که نحوه گزینش دانشجو برای رشته‌های کشاورزی مناسب است. به‌علاوه بخش زیادی از دانشجویان معتقد بودند که میزان ارتباط آنها با کشاورزان در سطح پایینی قرار دارد. در دیگر تحقیقات نیز به مسائل و چالش‌های متعددی اشاره شده که کارایی و موفقیت نظام آموزش عالی ایران را تحت تأثیر قرار داده است. در واقع یافته‌های تحقیقاتی بیانگر این است که آموزش عالی در ارتباط با ساختار اجتماعی-علمی خود با مسائل و چالش‌های اساسی رو به رو است. از جمله این مسائل می‌توان به گرایش پایین به علم‌گرایی و تعهد به ارزش‌های دانشگاهی (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰)، تعهد و اقتدا به ضد هنجارهای علم تا هنجارهای علم (قاضی طباطبایی و و داد‌هیر، ۱۳۷۷، ۲۷)، نامطلوب بودن وضعیت ساختار اجتماعی-علمی و تعاملات درون دانشگاهی شامل ارتباط استاد-دانشجو، دانشجو-فضای دانشگاهی و تعاملات برون دانشگاهی (قاضی طباطبایی و مرجایی، ۱۳۷۸، ۲۹؛ مرجایی، ۱۳۸۴، ۴)، ضعف فرهنگ علمی-پژوهشی و بی‌توجهی به هنجارهای اخلاق علمی، نپذیرفتن سلسله‌مراتب علمی توسط دانشجویان و دانش‌آموختگان جوان و فردگرایی، رعایت نشدن هنجارهای اخلاقی و نبود روحیه استادپذیری در دانشجویان و غرور در استاد و دانشجو (رفیع‌پور، ۱۳۹۰، ۱۱-۵)، ناکارایی فرهنگ دانشگاهی در تربیت دانشگاهی، بحران کمیت و کمبود عضو هیئت علمی و کادر آموزشی و تسلط بر آموزش دانشگاهی (توسلی، ۱۳۸۶، ۳)، رضایت شغلی پایین استادان دانشگاه (باقریان، ۱۳۸۳، ۴) و تبعیض جنسیتی در پذیرش، ارتقا و مشارکت زنان در امور دانشگاه اشاره کرد. برخی پژوهشگران نیز در بررسی عوامل اصلی مؤثر در ضعف نظام آموزش عالی کشاورزی بر مواردی مانند پاسخگو نبودن برنامه‌های

درسی در رابطه با نیازهای واقعی، پایین بودن کیفیت برنامه‌های آموزش کشاورزی، نامطلوب بودن نحوه گزینش دانشجویان و نامناسب بودن مواد آموزشی و محتوای درسی تأکید کرده‌اند (مقدس فریمانی، ۱۳۷۷، ۳۰). امیری اردکانی (۱۳۷۶، ۱) نیز بر افزایش تمهیدات لازم برای ورود هر چه بیشتر روستازادگان به نظام آموزش عالی کشاورزی و پرورش آنها تأکید کرده است. یعقوبی (۲۰۱۰، ۱۹۰۱) بیان می‌کند میزان ایجاد اشتغال برای فارغ‌التحصیلان کشاورزی متناسب با میزان ثبت نام در این رشته‌ها نبوده است و بر ضرورت توجه به مؤلفه‌های کارآفرینی در ارائه درس‌های کشاورزی تأکید می‌کند.

از طرفی یکی از مسائل آموزش کشاورزی ضعف روش‌های عملی یا تأکید بر مباحث کلاسی و آموزش‌های نظری است. این در حالی است که روش‌های آموزشی متنوعی را می‌توان در آموزش‌های کشاورزی به کار گرفت. مندبلی^۱ (۲۰۰۰، ۲۵۹) در نتیجه مطالعه‌ای در کشور افریقای سوازیلند، طراحی و هدایت پروژه کسب‌وکار دانشجویی را شیوه‌ای جذاب و چالش‌برانگیز برای کسب و ارزیابی مهارت‌های مختلف فنی و مدیریتی در فرآیند آموزش کشاورزی با رویکرد کسب‌وکار معرفی کرده است. کمپ و همکاران^۲ (۲۰۰۰، ۱۳) ضمن تأکید بر بعد عمل‌گرایی در آموزش کشاورزی، یادگیری تجربی نظارت‌شده را یک رهیافت آموزشی عمل‌گرا معرفی و کارآفرینی، کاریابی و بهره‌برداری را مؤلفه‌های عمده این شیوه و رویکرد آموزشی عنوان کرده‌اند. همین‌طور، سالیوان^۳ (۲۰۰۰، ۱۶۰) از منظر یادگیری تجربی، استاد-شاگردی را شیوه‌ای مؤثر برای تسهیل یادگیری و آموزش عمل‌گرا معرفی کرده است. مطالعه ساسیدهار و همکاران^۴ (۲۰۰۶، ۲۰۱) با موضوع زمینه‌های تلفیق جهت‌گیری‌های سه‌گانه مدیریتی، کارآفرینی و خدمات‌رسانی در برنامه درسی مراکز آموزش دامپزشکی در هند حاکی از این است که مداخله‌ای مجزا و غیر یکپارچه، همانند اضافه کردن یک دوره شش‌ماهه به برنامه درسی موجود نمی‌تواند چاره‌ساز باشد و لازم است تغییرات گسترده‌تری برای تغییر موقعیت دانش‌آموختگان این رشته با مجهز شدن به علم دامپزشکی و دامپروری و هنر مدیریت و کارآفرینی از کارگیری (کارجویی) به کاردهی (کارفرمایی) صورت گیرد. باتیستا^۵ (۲۰۱۶، ۲۹) در مطالعه‌ای

1. Mndebele

2. Camp et al

3. Sullivan et al

4. Sasidhar et al

5. Bautista

که با موضوع اکتساب صلاحیت‌های عمومی در دانشجویان مهندسی کشاورزی در دانشگاه پلی‌تکنیک والنسیا در اسپانیا انجام داده به این نتیجه رسیده است که کلاس‌های درس در صورتی که بر اساس رهیافت تدریس مبتنی بر حل مسئله توسط آموزشگران اداره شوند، می‌توانند فرصتی برای کسب مهارت‌های عمومی برای دانشجویان باشند. این در حالی است که بیشتر کلاس‌های درس به شیوه سخنرانی و با رویکرد آموزش بانکی اداره می‌شود. علیزاده و همکاران (۲۰۱۶، ۱۹۳) در تحلیل مؤلفه‌های اثربخش در تحول نظام آموزشی در آموزش عالی کشاورزی در ایران بر وجود مسائل و چالش‌های متعددی تأکید کرده‌اند و ضرورت تحول راهبردی و هماهنگ شده در این نظام را در سه سطح زیر آشکار کرده است: (الف) نوآوری در نظام آموزش عالی در ایران؛ (ب) تحول در مراکز و مؤسسات آموزش کشاورزی در ایران؛ و (ج) بهبود کیفیت آموزشی در بین دانشجویان.

ملاحظه می‌شود که تحقیقاتی که مسائل دانشگاه‌ها و دانشکده‌های کشاورزی را از منظر کاهش ورودی بررسی کرده باشند اندک بوده یا حتی شاید بتوان گفت که با این مضمون در مروری که بر منابع انجام شد، کاری مشابه یافت نشد. به‌علاوه بیشتر تحقیقات با توجه به استلزامات زمان حال به‌ویژه افزایش بیکاری دانش‌آموختگان مسئله را بررسی نکرده‌اند. با این حال و با در نظر گرفتن شرایط کشور باید اذعان کرد که آموزش عالی کشاورزی در حال حاضر با چالش‌ها و تنگناهای متعددی روبرو است. جمع‌بندی تحقیقات پیشین بیانگر این است که اشتغال نامناسب دانش‌آموختگان، گرایش نداشتن افراد (به‌ویژه نخبگان) به رشته‌های کشاورزی، نبود ارتباط مؤثر بین بخش‌های آموزشی با کشاورزان، روش‌های آموزشی نامطلوب، شناخت ناکافی دانشجویان از اهمیت و کاربرد رشته‌های کشاورزی و ... از جمله این تنگناها است. بر این اساس تحقیق حاضر نیز مسائل درون دانشگاهی و برون دانشگاهی را با نظرسنجی از متخصصان مرتبط بررسی کرده است.



شکل (۱) مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این مطالعه، از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ میزان و درجه کنترل، میدانی و از لحاظ نحوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع تحقیقات توصیفی و غیرتجربی (غیرآزمایشی) است. این پژوهش در دی‌ماه سال ۱۳۹۳، در دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان به انجام رسید. حیطه موضوعی نیز متمرکز بر بررسی مهم‌ترین مسائل آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی کشور از دیدگاه شرکت‌کنندگان در "نشست سراسری آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی: چشم‌انداز ۱۴۰۴" بود. بنابراین پرسش اصلی این تحقیق عبارت است از مهم‌ترین مسائل درون و برون‌دانشگاهی پیش روی آموزش عالی کشاورزی کدام است و از چه اهمیتی برخوردار است. جامعه آماری تحقیق نیز شامل همه شرکت‌کنندگان در نشست بودند که شامل ۷۰ تن از دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی شامل مسئولان وزارت‌خانه‌های علوم و جهاد کشاورزی، اعضای گروه کشاورزی و منابع طبیعی شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی و شورای گسترش آموزش عالی، نمایندگان دانشگاه‌ها و انجمن‌های علمی، شخصیت‌های فرهیخته و باتجربه (از جمله از فرهنگستان علوم)، رؤسای دانشکده‌های کشاورزی و تعدادی از اعضای هیئت علمی باتجربه و شناخته شده علوم کشاورزی و منابع طبیعی بودند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برای این جمعیت آماری، ۵۹ نفر محاسبه شد. به منظور گردآوری اطلاعات به تعداد بیشتری از این حجم نمونه، پرسشنامه ارائه شد. در

نهایت پس از حذف پرسشنامه‌هایی که دارای جواب‌های ناقص، غیر کامل و مبهم بودند اطلاعات ۵۴ پرسشنامه برای تحلیل‌های آماری مورد استفاده قرار گرفت. روش نمونه‌گیری نیز به صورت تصادفی ساده بود. پرسشنامه تحقیق در طی چندین مرحله تدوین و روایی و پایایی آن ارزیابی شد. در مرحله اول، برای بررسی ابعاد موضوع و راهکارها، نظرات اعضای هیئت علمی از ناحیه معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه و از طریق پست‌های الکترونیکی فراخوان شد. پس از گردآوری نظرات برخی از اعضای هیئت علمی، زمینه‌ای فراهم شد تا نظریات گروه‌ها و دانشکده‌ها برای تعمیق بیشتر روی پیشنهادها مجدداً و رسماً درخواست شود. تمامی این موارد به برگزاری نشست درون‌دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی در تاریخ چهارشنبه ۱۳۹۳/۰۸/۲۱ با مشارکت رئیس دانشگاه، تمامی رؤسا و معاونان دانشکده‌ها و جمعی از اعضای هیئت علمی در دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان منجر شد. بازبینی و اصلاح این نظرات در معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه به تأیید پرسشنامه تحقیق منجر شد. به این ترتیب روایی صوری و محتوایی پرسشنامه بر اساس نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه مورد تأیید قرار گرفت. پایایی دو بخش پرسشنامه (مسائل برون و درون‌دانشگاهی) نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۶ تا ۰/۸۹) تأیید شد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS18 و Excel برای محاسبه درصدها و همچنین آماره‌های توصیفی میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات بهره گرفته شد. برای رتبه‌بندی آیت‌ها از آزمون فریدمن استفاده شده است. این آزمون برای مقایسه بیشتر از سه گروه، زمانی که داده‌ها همبسته باشند، استفاده می‌شود. برای مقایسه مسائل درون و برون‌دانشگاهی از آزمون ویلکاکسون استفاده شد. زمانی که در یک تحقیق نمونه‌ها همبسته باشند و هدف مقایسه دو گروه یا وضعیت باشد و در صورت برقرار نبودن فرض نرمال بودن داده‌ها، می‌توان از آزمون ناپارامتری ویلکاکسون استفاده کرد (کلانتری، ۱۳۹۰).

یافته‌های پژوهش

در این تحقیق مسائل آموزش عالی کشاورزی در دو دسته قرار گرفته و بررسی شدند. به منظور بررسی توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد. با توجه به جدول (۱) مشاهده می‌شود که نمی‌توان فرض نرمال بودن داده‌ها را پذیرفت بنابراین از آزمون‌های ناپارامتری که مناسب با توزیع داده‌های غیرنرمال هستند استفاده شده است.

فرض صفر: توزیع داده‌ها نرمال است.

فرض مقابل: توزیع داده‌ها نرمال نیست.

جدول (۱) نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده‌ها

معنی داری	مقدار آزمون	مسائل
۰/۰۰۵	۱/۷۳	مسائل برون‌دانشگاهی
۰/۰۱۳	۱/۵۸	مسائل درون‌دانشگاهی

در ادامه برای پاسخ به دو سؤال اصلی تحقیق یعنی شناخت مهم‌ترین مسائل درون و برون‌دانشگاهی پیش روی آموزش عالی کشاورزی و تعیین میزان اهمیت این مسائل به شرح زیر عمل شده است.

الف- مسائل خارج از دانشگاه:

این نوع مسائل چون از بیرون محیط دانشگاهی تحمیل شده و نتیجه سیاست گذاری نادرست یا ارائه کارکردهای مشابه اما باکیفیت و کارآمدی کمتر از سوی نهادهای مشابه است نیازمند رایزنی در حوزه سیاست‌گذاری کشور برای اصلاح امور است. با توجه به نتایج جدول (۲) و مقدار کای اسکویر حاصل از آزمون فریدمن مشاهده می‌شود که بین گویه‌های مربوطه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین با توجه به ستون میانگین فریدمن مشاهده می‌شود که پاسخگویان توافق نظر داشتند که مهم‌ترین مسئله و مشکلی که از خارج دانشگاه تحمیل شده است عبارت است: «وجود تعداد زیاد دانشگاه‌ها، مؤسسات، مراکز و واحدهای بدون صلاحیت (نداشتن کمترین شرایط لازم از نظر عضو هیئت علمی تمام‌وقت، امکانات آزمایشگاهی و ...)». پس از آن در رتبه دوم «کاهش کیفی ورودی‌های رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی: تمایل نداشتن داوطلبان با رتبه‌های بهتر به انتخاب رشته های کشاورزی» قرار دارد که خود می‌تواند بعضاً حاصل توسعه بی‌رویه واحدهای دانشگاهی باشد که صلاحیت لازم برای آموزش عالی کشاورزی را ندارند. در رتبه سوم «نبود آمایش آموزش کشاورزی/ تفکیک و تقسیم مأموریت/ رسالت‌های دانشگاه‌های کشور در حوزه آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی» قرار دارد. این نیز حاصل گسترش آموزش عالی کشاورزی در تمام نقاط کشور بدون امکان‌سنجی برخورداری از پتانسیل توسعه کشاورزی در منطقه مورد نظر است. بر این اساس ضرورت دارد بازنگری اساسی در سیاست‌های توسعه آموزش عالی در حوزه وزارتی صورت گیرد.

همچنین مواردی مانند «جدا بودن بدنه و مأموریت تحقیقاتی کشاورزی وزارت علوم از وزارت جهاد کشاورزی»، «آموزشی بودن مأموریت اصلی دانشگاه‌ها و

هیئت علمی آنها (پژوهش‌محور نیستند)» و «وجود یک سازمان پژوهشی بزرگ تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی تقریباً موازی در وزارت جهاد کشاورزی» کمترین اهمیت را داشته‌اند.

ب- مسائل درون دانشگاه:

این نوع مسائل از طریق تغییراتی در درون ساختار دانشگاه و همچنین بهبود و توانمندسازی استادان و کیفیت درس‌ها قابل تعدیل است.

با توجه به نتایج جدول (۲) و مقدار کای اسکویر حاصل از آزمون فریدمن مشاهده می‌شود که بین گویه‌های مربوطه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین با توجه به ستون میانگین فریدمن و ستون ضریب تغییرات مشاهده می‌شود که پاسخگویان توافق نظر داشتند که مهم‌ترین مسئله و مشکلی که حاصل عملکرد و کارکرد فعلی دانشگاه‌ها است و در واقع از درون دانشگاه‌ها حاصل شده است عبارت است از: «کم بودن سهم واحدهای عملی / مهارت‌آموزی: ارتباط اندک دانشجویان و استادان با بخش‌های اجرایی مثل کارخانه، مزرعه، طبیعت و ...» و پس از آن در رتبه دوم «کم‌توجهی به نحوه ارائه واحدهای عملی» قرار دارد. این دو موضوع باعث شده تا خیل عظیم فارغ‌التحصیلان فاقد مهارت‌های کار عملی کشاورزی باشند و در نتیجه اغلب توانایی و انگیزه کافی برای شروع فعالیت کارآفرینانه را ندارند. اخیراً در برخی دانشگاه‌های کشور مانند دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه تعاونی‌های کسب و کار دانشجویی تأسیس شده که در همان دوران تحصیل همه مراحل تولید و فروش و بازاریابی محصولات کشاورزی را به عهده دانشجویان گذاشته و به این صورت انگیزه‌های تولید ارزش و ثروت‌آفرینی را در دانشجویان پرورش می‌دهند. این موضوعات در دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان در مراحل اولیه خود قرار دارد و به برخی کسب‌وکارهای دانشجویی مانند تولید و فروش قارچ، گیاهان زینتی و نهال‌کاری راه‌اندازی شده است. در رتبه سوم «سفارشی نبودن و یا کاربردی نبودن پایان‌نامه‌ها» قرار دارد. این موضوع نیز در واقع بیشتر ناشی از ضعف ارتباط دوسویه دانشگاه‌ها و بخش‌های اجرایی است که تاکنون امکان استفاده از توان دانشگاه‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی برای رفع مشکلات دستگاه‌های اجرایی فراهم نشده است. از طرفی خود دانشگاه‌ها نیز به علت توجه زیاد به چاپ مقاله از اجرایی شدن نتایج پایان‌نامه‌ها غفلت کرده و در نتیجه شکاف بخش اجرا و دانشگاه به این ترتیب عمیق‌تر شده است.

همچنین مواردی مانند «توجه بیش از حد لازم به پژوهش و کم‌رنگ شدن آموزش»، «نبود عناوین جذاب برای رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی» و «توجه نداشتن به آموزش در مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های دولتی» کمترین اهمیت را داشته‌اند.

جدول (۲) بررسی اهمیت مسائل آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی

ردیف	مسائل آموزش عالی کشاورزی	میانگین معمولی*	میانگین فریدمن	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
	مسائل برون‌دانشگاهی					
۱	کاهش کیفی ورودی‌های رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی: تمایل نداشتن داوطلبان با رتبه‌های بهتر به انتخاب رشته های کشاورزی	۴/۴۴۴	۹/۶۶	۰/۷۱۸	۰/۱۶۲	۲
۲	نبود مشوق‌های لازم برای جذب رتبه های برتر کنکور به رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی مثل بورس با شرط یا بدون شرط جذب از ناحیه دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی و حتی خود دانشگاه‌ها	۳/۹۴۴	۷/۸۱	۰/۸۸۷	۰/۲۲۳	۵
۳	اطلاعات و تبلیغ ناکافی درباره ارزش و جایگاه رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی و اهمیت آنها در امنیت غذایی جامعه برای جذب رتبه‌های بهتر	۳/۷۹۶	۷/۱۴	۰/۹۹۸	۰/۲۶۳	۸
۴	فاصله زیاد (ناهمخوانی) توسعه کشاورزی و روستایی با آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی: توجه نکردن به فناوری‌های Low Tech و معطوف شدن توجهات به فناوری‌هایی مثل نانو، بیو، سلول‌های بنیادی، ماهواره و ...	۳/۹۲۶	۷/۹۸	۰/۸۸۷	۰/۲۲۶	۴
۵	آموزشی بودن مأموریت اصلی دانشگاه‌ها و هیئت علمی آنها (پژوهشی محور نیستند)	۳/۵۳۷	۶/۳۹	۱/۰۰۴	۰/۲۸۴	۱۳
۶	وجود نداشتن وظیفه ترویجی در شرح وظایف اعضای هیئت علمی کشاورزی-منابع طبیعی (برای انتقال یافته‌های پژوهشی به استفاده‌کنندگان)	۳/۷۹۲	۷/۰۸	۰/۸۴۰	۰/۲۲۲	۹
۷	روشن نبودن جایگاه ملی، ناحیه‌ای و بین‌المللی دانشگاه‌ها متناسب با نقشه جامع علمی کشور و اسناد بالادستی	۳/۸۷۰	۶/۹۲	۰/۸۷۰	۰/۲۲۵	۱۱

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین فریدمن	میانگین معمولی*	مسائل آموزش عالی کشاورزی	ردیف
۱۲	۰/۳۵۵	۱/۲۸۲	۶/۶۶	۳/۶۰۸	وجود یک سازمان پژوهشی بزرگ تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی تقریباً موازی در وزارت جهاد کشاورزی	۸
۱۴	۰/۴۶۳	۱/۳۷۹	۴/۷۳	۲/۹۸۱	جدا بودن بدنه و مأموریت تحقیقاتی کشاورزی وزارت علوم از وزارت جهاد کشاورزی	۹
۱	۰/۱۵۲	۰/۶۹۱	۱۰/۱۶	۴/۵۵۶	وجود تعداد زیاد دانشگاه‌ها، مؤسسات، مراکز و واحدهای بدون صلاحیت (نداشتن کمترین شرایط لازم از نظر عضو هیئت علمی تمام‌وقت، امکانات آزمایشگاهی و ...)	۱۰
۶	۰/۲۱۸	۰/۸۴۷	۷/۳۹	۳/۸۸۷	مشروط نبودن اعطای برخی از مجوزها و بخشی از اعتبارات و تسهیلات صرفاً برای فارغ‌التحصیلان کشاورزی و منابع طبیعی در قالب‌های مختلف تعاونی، شرکتی یا انفرادی	۱۱
۳	۰/۱۹۰	۰/۸۰۰	۸/۸۹	۴/۲۱۲	نبودن آمایش آموزش کشاورزی/ تفکیک و تقسیم مأموریت/ رسالت‌های دانشگاه‌های کشور در حوزه آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی	۱۲
۱۰	۰/۲۴۵	۰/۹۲۷	۷/۰۳	۳/۷۹۲	کاهش تعداد دانشجویان در مقطع کارشناسی و احتمال سرایت آن به مقاطع بالاتر و آمادگی نداشتن برای این شرایط	۱۳
۷	۰/۲۶۱	۰/۹۷۵	۷/۱۷	۳/۷۴۱	ضعیف بودن مرجعیت علمی دانشگاه‌ها / دانشکده‌های علوم کشاورزی و منابع طبیعی در تدوین و ارزیابی استانداردها در حوزه مواد غذایی و فرآورده‌های کشاورزی و منابع طبیعی (آزمایشگاه‌های آکرو دیته (همکار) استاندارد)	۱۴
نتایج آزمون فریدمن، مقدار کای اسکویز: ۷۸/۵۸، درجه آزادی: ۱۳، معنی‌داری: ۰/۰۰						
مسائل درون‌دانشگاهی						
۱۷	۰/۲۷۹	۱/۱۱۵	۵/۸۶	۳/۷۵۹	نبودن عناوین جذاب برای رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی	۱
۳	۰/۱۶۶	۰/۷۰۵	۱۲/۲۵	۴/۲۵۹	سفارشی نبودن و یا کاربردی نبودن پایان‌نامه‌ها	۲
۱۰	۰/۲۱۰	۰/۸۲۶	۹/۳۵	۳/۹۴۲	بی‌توجهی به بازآموزی استادان متناسب با نیازهای روز و تقاضای جامعه	۳
۱۶	۰/۲۷۶	۱/۰۲۶	۶/۷۲	۳/۷۱۷	توجه نکردن به آموزش در مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های دولتی	۴

ردیف	مسائل آموزش عالی کشاورزی	میانگین معمولی*	میانگین فریدمن	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
۵	توجه بیش از حد به مقاطع تحصیلات تکمیلی در مقایسه با مقطع کارشناسی (و کاردانی)	۳/۸۷۰	۹/۷۸	۰/۹۹۱	۰/۲۵۶	۷
۶	توجه بیش از حد لازم به پژوهش و کم رنگ شدن آموزش	۳/۴۱۲	۵/۶۰	۱/۰۲۳	۰/۳۰۰	۱۸
۷	کم توجهی به نحوه ارائه واحدهای عملی	۴/۴۰۴	۱۲/۵۱	۰/۷۲۱	۰/۱۶۴	۲
۸	کم بودن سهم واحدهای عملی/ مهارت آموزی: ارتباط اندک دانشجویان و استادان با بخش های اجرایی مثل کارخانه، مزرعه، طبیعت و ...	۴/۵۵۶	۱۳/۴۲	۰/۶۳۴	۰/۱۳۹	۱
۹	کم یا ناچیز بودن آموزش کارآفرینانه، خلاقیت، نوآوری	۴/۲۹۶	۱۱/۵۸	۰/۷۶۸	۰/۱۷۹	۵
۱۰	کم بودن رشته های جدید و میان رشته ای مبتنی بر نیاز جامعه	۳/۹۶۳	۹/۷۰	۰/۹۳۱	۰/۲۳۵	۹
۱۱	تعدد گرایش ها و رشته ها در مقطع کارشناسی که باعث از دست رفتن دیدگاه جامع نگر می شود	۳/۸۴۶	۹/۳۱	۰/۸۷۲	۰/۲۲۷	۱۱
۱۲	تعدد گرایش ها و رشته ها در مقطع کارشناسی ارشد	۳/۲۷۸	۹/۰۳	۰/۷۸۷	۰/۲۴۰	۱۲
۱۳	تعدد گرایش ها و رشته ها در مقطع دکتری (در شرایطی که هر رساله دکتری می تواند یک گرایش تلقی شود)	۳/۲۲۲	۸/۶۶	۰/۸۳۹	۰/۲۶۰	۱۳
۱۴	نبود نیمسال کارورزی/ کارآموزی در دوره های کارشناسی	۴/۱۸۹	۱۰/۷۸	۰/۹۲۱	۰/۲۲۰	۶
۱۵	بیش از حد لازم بودن درس ها و مباحثی که بار نظری زیادی به دانشجو وارد می کنند و نهایتا حداقل های لازم را نیز یاد نمی گیرد (عدم تفکیک مطالب اهم، مهم تر، مهم از مطالب قابل جستجو از مراجع قابل دستیابی است و اجبار دانشجو به یادگیری همه اینها).	۳/۸۵۲	۹/۱۷	۰/۸۵۶	۰/۲۲۲	۱۲
۱۶	تقاضامحور نبودن پذیرش دانشجو (بر اساس اعلام نیاز دستگاه های دولتی یا بخش خصوصی نیست)	۴/۲۷۸	۱۱/۷۵	۰/۷۳۸	۰/۱۷۲	۴
۱۷	کم توجهی به حقوق دانشجویان: حق برخورداری از استاد خوب، کمترین استانداردهای آموزشی نظری و عملی (امکانات آزمایشگاهی و صحرایی)، تشکیل مرتب کلاس ها و ...	۳/۶۶۷	۸/۱۰	۰/۹۹۱	۰/۲۷۰	۱۴

ردیف	مسائل آموزش عالی کشاورزی	میانگین معمولی*	میانگین فریدمن	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
۱۸	نگاه به دانشجویان تحصیلات تکمیلی به‌عنوان ابزار برای ترفیع و ارتقای استادان	۳/۶۱۱	۷/۴۱	۰/۹۶۰	۰/۲۶۶	۱۵
نتایج آزمون فریدمن، مقدار کای اسکویئر: ۱۶۱/۸۴، درجه آزادی: ۱۷، معنی‌داری: ۰/۰۰						

*: میانگین از یک تا پنج

ج- مقایسه مسائل برون و درون‌دانشگاهی

برای مقایسه کلی میزان اهمیت مسائل برون و درون‌دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی ابتدا میانگین ردیفی برای هرکدام از مسائل برون و درون‌دانشگاهی محاسبه شد، سپس با آزمون کولموگروف-اسمیرنوف توزیع داده‌ها ارزیابی شد که با توجه به نرمال نبودن توزیع، از آزمون ویلکاکسون برای مقایسه این دو مؤلفه استفاده شد (جدول ۳). مشاهده می‌شود که با وجود اینکه میانگین مسائل درون‌دانشگاهی اندکی از مسائل برون‌دانشگاهی بیشتر شده است اما این تفاوت معنی‌دار نیست. درواقع پاسخگویان میزان اهمیت هرکدام از این دو گروه مسائل را یکسان ارزیابی کرده‌اند و درواقع آموزش عالی کشاورزی برای عبور از بحران فعلی باید هم‌زمان راهکارهایی را برای رفع هر دو نوع مسائل مورد توجه قرار دهد.

جدول (۳) آزمون ویلکاکسون برای مقایسه مسائل برون و درون‌دانشگاهی

میانگین	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای	رتبه منفی	رتبه مثبت	مقدار Z	معنی‌داری
۳/۸۸	۰/۴۵	۲۷/۳۸	۲۸	۲۶	-۰/۲۶۳	۰/۷۹۳
۳/۸۹	۰/۴۶	۲۷/۶۱				

رتبه منفی: تعداد مواردی که میانگین مسائل برون‌دانشگاهی از درون‌دانشگاهی بیشتر شده است.

رتبه مثبت: تعداد مواردی که میانگین مسائل برون‌دانشگاهی از درون‌دانشگاهی کمتر شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی عهده‌دار رسالت‌هایی چون تولید دانش، تربیت نیروی متخصص مورد نیاز جامعه، گسترش فناوری، نوآوری و خلاقیت هستند. امروزه صاحب‌نظران معتقدند دستیابی به توسعه پایدار فقط در سایه به‌کارگیری دانش روز و فناوری پیشرفته حاصل می‌شود. بنابراین، برای قرار گرفتن در مسیر توسعه و جلوگیری از عقب‌ماندگی باید شرایطی فراهم شود که دانشگاه‌ها بتوانند دانشجویان را برای به‌کارگیری فناوری جدید و پذیرش مسئولیت‌های مختلف در سطح سازمان و

جامعه پرورش دهند. یکی از بخش‌های فعال و پویا که سهم عمده‌ای در تولید درآمد ناخالص ملی و اشتغال کشور دارد، بخش کشاورزی است که همه‌ساله تعداد قابل توجهی فارغ‌التحصیل حاصل خروجی نظام آموزش عالی در این بخش است. امروزه به علت کاهش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و افزایش شکاف دستمزدها بین این بخش و سایر بخش‌های خدماتی و تولیدی، علاقه و توجه جامعه به تحصیل در رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی کاهش یافته است که به کاهش چشمگیر ورود به دانشکده‌ها و دانشگاه‌های علوم کشاورزی و منابع طبیعی منجر می‌شود. ادامه این روند می‌تواند به خالی شدن بخش کشاورزی از نیروی کار متخصص و کارآمد منجر شود که در نهایت امنیت غذایی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بنابراین تحقیق حاضر با هدف بررسی مهم‌ترین مسائل آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی از دیدگاه ۵۴ نفر از شرکت‌کنندگان در "نشست سراسری آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی: چشم‌انداز ۱۴۰۴" در دی‌ماه ۱۳۹۳ در دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، انجام شد. مسائل در دو دسته برون دانشگاه و درون دانشگاهی قرار گرفته و بررسی شدند.

نتایج نشان داد که مهم‌ترین مسائلی که از خارج دانشگاه تحمیل شده است عبارت است از: «وجود تعداد زیاد دانشگاه‌ها، مؤسسات، مراکز و واحدهای بدون صلاحیت (بدون کمترین شرایط لازم از نظر عضو هیئت علمی تمام‌وقت، امکانات آزمایشگاهی و ...)»، «کاهش کیفی ورودی‌های رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی: تمایل نداشتن داوطلبان با رتبه‌های بهتر به انتخاب رشته‌های کشاورزی» و «نبود آمایش آموزش کشاورزی/ تفکیک و تقسیم‌مأموریت/ رسالت‌های دانشگاه‌های کشور در حوزه آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی». چنین مسائلی حاصل توسعه بی‌رویه آموزش عالی در سال‌های گذشته است، به طوری که سیاست‌گذاری نادرست در گسترش آموزش عالی بدون توجه ظرفیت‌های منطقه‌ای به افزایش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی منجر شده که بدون داشتن کمترین استانداردهای لازم در رشته‌ها و گرایش‌های بسیار تخصصی در حال پذیرش دانشجو هستند. بنابراین در صورت اصلاح نشدن این روند و بی‌توجهی به کیفیت و صلاحیت دانشگاه‌ها در پذیرش دانشجو، این معضل در آینده کلیت نظام آموزش عالی کشور را تحت تأثیر قرار خواهد داد و پیامدهای ناخواسته و ناگواری را در پی خواهد داشت. در سایر تحقیقات نیز به وجود مسائل مشابهی در آموزش عالی کشاورزی اشاره شده است. در این زمینه نامناسب بودن نحوه گزینش دانشجو برای رشته‌های کشاورزی در برخی تحقیقات مرتبط با نظام آموزش عالی کشاورزی (ورمرزیاری و همکاران، ۱۳۸۷؛

مقدس فریمانی، ۱۳۷۷) بیان شده است. در برخی تحقیقات دیگر نیز مواردی مانند ماهیت نهادی و ساختاری بودن مشکلات دانشگاه (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۸۹)، ساختار و فرآیند سنتی آموزش (فیضی، ۱۳۸۲) به‌عنوان مشکلات نظام آموزش عالی در ایران اشاره شده است که مشابه نتایج این تحقیق است.

همچنین مهم‌ترین مسئله‌ای که از درون دانشگاه حاصل شده است عبارت است از: «کم بودن سهم واحدهای عملی / مهارت‌آموزی: ارتباط اندک دانشجویان و استادان با بخش‌های اجرایی مثل کارخانه، مزرعه، طبیعت و ...»، «کم‌توجهی به نحوه ارائه واحدهای عملی» و «سفارشی نبودن و یا کاربردی نبودن پایان‌نامه‌ها». مبنای تئوریک بیشتر آموزش‌های تخصصی کشاورزی به‌عنوان یک معضل در برخی تحقیقات پیشین نیز اشاره شده است (فائو، ۱۳۷۷؛ ورمزیاری و همکاران، ۱۳۸۷). همچنین مواردی مانند نامناسب بودن مواد آموزشی و محتوای درسی (مقدس فریمانی، ۱۳۷۷)، نبود روستازادگان (امیری اردکانی، ۱۳۷۶)، ضعف کیفیت در آموزش نظری و عملی (آزادواری، ۱۳۷۷) نیز مورد تأکید سایر محققان بوده است.

بنابراین لازم است که خود دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها پیشگام شده و با بهبود کمی و کیفی آموزش‌های عملی و همچنین توسعه کارآفرینی در دانشجویان به تعدیل و کاهش این مشکلات اقدام کنند. نتایج آزمون ویلکاکسون برای مقایسه میزان اهمیت هرکدام از مسائل برون و درون‌دانشگاهی نشان داد که با وجود اینکه میانگین مسائل درون‌دانشگاهی اندکی از مسائل برون‌دانشگاهی بیشتر شده است اما این تفاوت معنی‌دار نیست. بنابراین توجه هم‌زمان به هر دو نوع مسائل باید صورت گیرد و راهکارها و سیاست‌گذاری‌های مربوطه باید هماهنگ طراحی و اجرا شود. با توجه به یافته تحقیق، پیشنهادها نیز به ترتیب برای تعدیل و حل مسائل برون و درون‌دانشگاهی به شرح زیر ارائه می‌شود.

الف) پیشنهادها برای حل مسائل برون‌دانشگاهی

- توقف پذیرش و صدور مجوز راه‌اندازی رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی در مؤسسات آموزشی بدون شرایط لازم؛
- افزایش ارتباطات فرابخشی بین دانشگاه‌ها/ دانشکده‌های کشاورزی و منابع طبیعی و بخش‌های اجرایی مربوطه در سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها؛
- تدوین برنامه راهبردی مبتنی بر آمایش در حوزه آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی. این آمایش می‌تواند در زمینه هرم جمعیت دانشجویی و توزیع آنان در رشته‌ها، مقاطع و دانشگاه‌ها اعم از دولتی، آزاد، پیام نور، غیرانتفاعی و علمی

کاربردی، پایه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها را به نحوی فراهم سازد تا از موازی‌کاری در آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی اجتناب شود؛

- ضرورت تبلیغ، تشویق و حمایت همه‌جانبه دولت و حاکمیت از تحصیل در رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی با اختصاص مشوق‌هایی مانند تخصیص سهمیه استخدامی به فارغ‌التحصیلان رشته‌های مذکور.
- اصلاحات در کنکور سراسری ورود به دانشگاه‌ها از طریق بازبینی و حذف سیاست بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو در رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی.
- نیاز به توجه بیشتر حاکمیت به فارغ‌التحصیلان کشاورزی و منابع طبیعی: نهادسازی و استفاده از ظرفیت نهادها و اصناف موجود در بخش کشاورزی و منابع طبیعی نظیر نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، خانه کشاورز و امثال آن، مشروط کردن اعطای برخی از مجوزها و بخشی از اعتبارات و تسهیلات به فارغ‌التحصیلان کشاورزی و منابع طبیعی در قالب شرکت‌ها، تعاونی‌ها یا فعالیت‌های اقتصادی افرادی در بخش کشاورزی، استفاده از ظرفیت‌های قانونی مانند قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی و قانون سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی و ایجاد سامانه بازار کار رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی توسط سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند زمینه جذب بیشتر فارغ‌التحصیلان کشاورزی و منابع طبیعی در بازار کار را فراهم سازند.

ب) پیشنهادها برای حل مسائل درون‌دانشگاهی

- تغییرات در شکل، عنوان و محتوای برنامه‌های آموزشی شامل: تلفیق رشته‌ها و گرایش‌های نزدیک به هم، تعریف دوره‌های جدید، بازنگری عناوین دوره‌ها متناسب با محتوا با هدف افزایش جذابیت، کاربردی‌تر کردن و به‌هنگام کردن درس‌ها و برنامه‌ها، افزایش واحدهای عملی، ارتقای سطح کارورزی/ کارآموزی، افزایش سطح آموزش کارآفرینی و سایر ضرورت‌ها برای توانمندسازی فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها در بازار کار.
- توانمندسازی هیئت علمی آموزش کشاورزی و منابع طبیعی. توجه کافی به بازآموزی استادان متناسب با نیازهای روز و تقاضای جامعه، تأکید بر پژوهش‌های مسئله‌محور، ارزش‌آفرین و کارآفرین، برقراری وظایف ترویجی در شرح وظایف اعضای هیئت علمی کشاورزی و منابع طبیعی برای انتقال یافته‌های پژوهشی به استفاده‌کنندگان، افزایش کمی و کیفی فرصت‌های مطالعاتی برای اعضای هیئت علمی، اصلاح آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی و متناسب‌سازی امتیازات برحسب

خروجی‌ها / پیامدهای کاربردی / پاسخ به نیازهای جامعه و بازار کار از جمله راهکارهای پیشنهادی برای افزایش سطح توانمندی اعضای هیئت علمی است.

▪ بازنگری در برخی سیاست‌ها، رویه‌ها و اقدامات کنونی دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و گروه‌ها: توجه کافی و شایسته گروه‌ها، دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها به مقاطع کاردانی و کارشناسی در مقایسه با تحصیلات تکمیلی ضرورت دارد. تقویت روابط بین‌المللی و دعوت از استادان خارجی در حوزه آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی، از دیگر راهکارهای ارتقای سطح تدریس اعضای هیئت علمی و سطح آموزش در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های کشاورزی و منابع طبیعی است. ایجاد واحدی در دانشگاه‌ها با وظیفه‌مندی رصدکردن نیازهای صنعت و جامعه و مربوط ساختن این نیازها در محتوای درس‌ها و کمک به تقاضامحور کردن پذیرش و آموزش دانشجو و کسب آمادگی دانشگاه‌ها برای تداوم احتمالی مشکل کاهش دانشجویان در تمام مقاطع نیز می‌تواند در برنامه کار دانشگاه‌ها قرار گیرد.

منابع

- آزادواری، حسین (۱۳۷۷). بررسی اثربخشی محتوای برنامه آموزش عالی رشته ترویج و آموزش کشاورزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.
- آقاپور، سیدمهدی؛ بازارگادی، مهنوش و آزادی احمدآبادی، قاسم (۱۳۸۸). ارزیابی میزان انطباق وضعیت اجتماعی اساتید زن در دانشگاه‌ها با مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی. زن در توسعه و سیاست، ۷ (۳)، ۵-۲۶.
- اسکندریان، جعفر و کاهامی، محسن (۱۳۸۰). کلیات آموزش از راه دور مبتنی بر وب. همایش جهانی شهرهای اینترنتی. کیش. ایران.
- امیری اردکانی، محمد (۱۳۷۶). تعیین‌کننده‌های موفقیت تحصیلی، شغلی و تعهد سازمانی فارغ‌التحصیلان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.
- باقریان، فاطمه (۱۳۸۳). منزلت اجتماعی و جایگاه هیئت علمی در ایران (گزارش پژوهشی). تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی آموزش-گذشته، حال و آینده. تهران: نشر علم.
- خسروکواری، فرهاد (۱۳۸۴). جامعه علمی در ایران- دیدگاه پژوهشگران برجسته (گزارش پژوهشی). تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۱). موانع رشد علمی در ایران و راه‌حل‌های آن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شریف‌زاده، ابوالقاسم و عبدالله‌زاده، غلامحسین (۱۳۹۰). بررسی رضایت دانشجویان کشاورزی از کیفیت آموزشی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ۶۱، ۵۱-۷۴.
- عبدالله‌زاده، غلامحسین و شریف‌زاده، محمدشریف (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی کیفیت تحصیلی دانشجویان در دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان. نامه آموزش عالی، ۸ (۳۲)، ۱۳۷-۱۵۵.
- فیضی، کامران (۱۳۸۲). بررسی مسائل و راهکارهای تشکیل دانشگاه‌های اینترنتی در ایران. مطالعات مدیریت، ۳۷ و ۳۸، ۱۱۷-۱۳۴.
- قاضی طباطبائی، محمود و ودادهیر، ابوعلی (۱۳۷۷). بررسی عوامل دانشگاهی مؤثر بر پیروی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های ایران از هنجارها و ضد هنجارهای علم مطالعه تطبیقی دانشجویان دانشگاه‌های تبریز، تهران، شهید بهشتی و تربیت مدرس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

قاضی طباطبایی سید محمود و مرجایی، سید هادی (۱۳۷۸). بررسی عوامل مؤثر بر خود اثربخشی دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

کلانتری، خلیل (۱۳۸۵). پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی. نشر شریف. تهران.

محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی اجتماعی جوانان: مطالعه‌ای از ارزش‌های ایزوله شده و مشارکت فرهنگی در محیط‌های آکادمیک ایران (گزارش پژوهشی). تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی.

محسنی تبریزی، علیرضا؛ قاضی طباطبایی، سید محمود و مرجایی، سید هادی (۱۳۸۹). تأثیر مسائل و چالش‌های محیط علمی بر جامعه‌پذیری دانشجویان. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۶ (۱)، ۶۷-۴۵.

مرجایی، سید هادی (۱۳۸۴). طرح بررسی میزان خود اثربخشی دانشجویان در تصمیم‌گیری‌های شغلی (گزارش پژوهشی). تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی.

معمارزاده طهران، غلامرضا؛ کیاکجوری، کریم و رودگرنژاد، فروغ (۱۳۹۰). تحلیل استراتژیک دانشگاه آزاد اسلامی به منظور ارائه استراتژی‌های مناسب (واحد بندر انزلی). پژوهش‌های مدیریت، ۲۲ (۸۸)، ۳۹-۵۴.

مقدس فریمانی، شهرام (۱۳۷۷). رهیافت آموزش‌گزیداری برای دوره کارشناسی کشاورزی از نظر متخصصان آموزش عالی کشاورزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.

ورمرزیاری، حجت؛ غنیا، منصور و برادران، مسعود (۱۳۸۷). دیدگاه دانشجویان نسبت به وضعیت نظام آموزش عالی کشاورزی در ایران؛ چالش‌ها و راهکارها (مطالعه موردی: دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین). دانش کشاورزی، ۱۸ (۴)، ۳۹-۵۲.

Alizadeh, N; Sadighi, H; Pezeshki Rad, R; & Alipur, H. (2016). Analysis of effective components of educational transformation in agricultural higher education system in Iran. *IJAMAD*, 6 (2), 193-203.

Bautista, I (2016). Generic competences acquisition through classroom activities in first-year agricultural engineering students. *International Journal of Educational Technology in Higher Education*. 13, 29-39.

- Camp, G; Clarke, A; & Fallon, M (2000). Revisiting supervised agricultural experience. *Journal of Agricultural Education*, 41 (3), 13–22.
- Greiman, B. C. (2009). Transformational leadership research in agricultural education: A synthesis of the literature. *Journal of Agricultural Education*, 50 (4), 50-62.
- Heyneman, S. P. (2004). International education quality. *Economics of Education Review*, 23, 441-452.
- Mndebele, C. B. S. (2000). Home-based vocational agriculture student enterprises: the experience of a developing country. *The Journal of Agricultural Education and Extension*, 6 (4), 259 -261.
- Mojarradi, G. & Karamidehkordi, E. (2016). Factors influencing practical training quality in Iranian agricultural higher education. *Journal of Higher Education Policy and Management*, 38 (2), 11-23.
- Sasidhar, P. V. K.; Ban, V. D. & Anne, W. (2006). Management, entrepreneurship and private service orientation: A framework for undergraduate veterinary education. *The Journal of Agricultural Education and Extension*, 12 (3), 201-211.
- Sullivan, R. (2000). Entrepreneurial learning and mentoring. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 6 (3), 160-175.
- Yaghoubi, J. (2010). Study barriers to entrepreneurship promotion in agriculture higher education. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2 (2), 1901-1905.